

شکل‌گیری و دگرگونی مفهوم فضای عمومی در سکونتگاه‌های خودانگیخته پیرامونی کلانشهر تهران (نمونه موردی: اسلامشهر)

سید محسن حبیبی*، جواد عرفانی**، نوید پور محمدرضا***

۱۳۹۵/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۵/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

از آنجا که حیات شهر با حضور و رونق فضاهای عمومی معنا می‌یابد، کیفیت چنین فضاهایی، به عنوان معیار کیفیت زندگی شهری به طور عام و در شهرهای «خودانگیخته» به عنوان معیار تکوین مفهوم شهر به طور خاص، بیش از پیش در نظر گرفته می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی و تحلیل شیوه شکل‌گیری و دگرگونی فضاهای عمومی سکونتگاه‌های خودانگیخته، مرتبط با نحوه زندگی ساکنان آن در طول دوره‌های مختلف زیست است. برای مطالعه موردی نیز مجموعه زیستی اسلامشهر، به عنوان بزرگترین و قدیمترین سکونتگاه خودانگیخته پیرامونی تهران برگزیده شده است که سابقه مطالعاتی روشنی در مورد آن وجود دارد. این سکونتگاه با تولید و گسترش نمونه‌هایی متفاوت از فضاهای عمومی گام‌هایی بلند برای افزایش کیفیت زندگی ساکنان و حرکت به سوی ایجاد یک زندگی شهری پایدار برداشته است. در این پژوهش نیز با تکیه بر بازخوانی روند شکل‌گیری و دگرگونی فضاهای عمومی اسلامشهر، به دگرگونیهای اجتماعی این کانون توجه شده است. بر این اساس، سعی شده است تا از طریق ملحوظ داشتن مفاهیم و انگاره‌هایی؛ همچون زندگی روزمره، تعاملات و معاشرت اجتماعی، روابط چهره به چهره و ... تصویر و تصویری کم و بیش روشن از فضاهای عمومی در اسلامشهر ارائه شود. با عطف به پژوهش‌های میدانی، روایتی توصیفی-تحلیلی از محتوا و کالبد فضاها و مکانهای اسلامشهر در قالب سه‌گونه اصلی (فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز) و یک گونه فرعی (فضاهای غیررسمی و بالقوه) ارائه شده است.

کلمات کلیدی: فضای عمومی، حیات شهری، سکونتگاه خودانگیخته، اسلامشهر.

* استاد دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران: smhabibi@ut.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی طراحی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران: javaderfani@yahoo.com

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی برنامه‌ریزی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران: npourmohammad@gmail.com



مقدمه

انتخاب «تهران» از سوی آغامحمدخان قاجار به پایتختی شاهنشاهی ایران در اواخر قرون دوازدهم شمسی و هجدهم میلادی، آغازگر سلسله رویدادها و دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی بوده که تهران را به یکی از بزرگترین شهرهای جهان و عمده‌ترین محل اسکان ایرانیان تبدیل نموده است. از همین رو، نه تنها «تهران» از روستایی کوچک به شهری چند میلیونی بدل گشته، دهها شهر و روستای پیرامونی خویش را نیز در این رشد شتابزده سهیم نموده است که جملگی مجموعه بزرگ، پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از کانونهای زیستی کهن و نویناد را در کوهپایه‌ها و دشتهای سلسله جبال البرز مرکزی تشکیل داده‌اند. این منطقه که امروزه از آن با عنوان منطقه کلانشهر تهران یاد می‌شود، علی‌رغم وجود مشکلات و نابهنجاریهای ناشی از رشد سریع و هدایت نشده، همچنان مقصد جذابی برای انبوه جمعیت مهاجر به پایتخت و یا رانده شدگان از آن است. در این میان هرچند که در یک انگاره کلی مجموعه عوامل مشترکی به عنوان شروط لازم و عام در پیدایی این سکونتگاهها سهیم بوده‌اند، تأثیرگذاری عوامل متفاوت و وجود ویژگیهای زمانی- مکانی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- سیاسی منحصر به فرد در شکل‌گیری هریک از این سکونتگاهها به عنوان شروط کافی و خاص، منجر به بروز تفاوت‌های ماهوی و کالبدی آشکار در میان آنها شده است. از همین رو، اگر در یک تقسیم بندی پیشنهادی و بر اساس منشاء شکل‌گیری، این سکونتگاهها را به دو دسته کلی با زیر مجموعه‌های متناسب خود به شرح ذیل تقسیم کنیم:

۱. شهرها و کانونهای زیستی کهن توسعه یافته مانند ری، کرج، دماوند، شهریار، رباط کریم، ...؛
۲. شهرهای نویناد شامل
الف) شهرهای جدید؛ مانند پردیس، پرند، هشتگرد و ...؛
ب) سکونتگاههای خودانگیخته^۱ مانند اسلامشهر، شهر قدس (قلعه حسن خان)، قرچک، گلستان، نسیم شهر و ...
بی‌شک سکونتگاههای خودانگیخته در زمره مهم‌ترین این کانونها قرار می‌گیرند. برای نمونه، سکونتگاه خودانگیخته نوساخت چون اسلامشهر، بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، پرجمعیت‌ترین شهر پیرامونی تهران، پس از کرج شناخته می‌شود؛ همچنانکه برخی دیگر از سکونتگاههای خودانگیخته منطقه؛ مانند قرچک و شهر قدس از بسیاری از شهرهای جدید و کهن این منطقه پرجمعیت‌تر هستند. بررسی این پدیده زمانی جالبتر می‌شود که در یک نگاه کلی مشاهده می‌کنیم که علی‌رغم سرمایه‌گذاریهای فراوان دولتی برای اسکان جمعیت سرریز تهران در شهرهای جدید، این سکونتگاههای خودانگیخته بوده‌اند که بخشی اعظم از جمعیت سرریز را پذیرا شده‌اند.^۲
با وجود این، غالب مسئولان و پژوهشگران حوزه شهری به این زیستگاهها، به عنوان مکانهایی مسأله‌دار و مشکل‌زا نگریده‌اند که به ارائه راهکارهای ویژه، در قالب طرحهایی نظیر توانمندسازی نیازمند است^۳ تا با تأمین حداقلهای لازم کیفیت زندگی، بتوانند به حیات خود ادامه دهند و مشکلات ناشی از آنها را مهار نمایند. از دیگر سو، واژه «سکونتگاه خوابگاهی» در اشاره به این شهرها، چنین ذهنیت را به وجود آورده است

که این زیستگاه‌های پرجمعیت، مجموعه‌های مسکونی بی‌تحرک و غیرپویایی‌اند که تنها برای اسکان جمعیت مهاجر شاغل در کلانشهر مورد استفاده قرار می‌گیرند و از دیگر کارکردهای مورد انتظار از مجموعه عظیم جمعیتی بی‌بهره‌اند.

در این میان و پس از پژوهش‌های صورت گرفته^۴، مقاله پیش‌رو در رویکردی متفاوت با انگاره فوق، تلاش می‌کند تا نشان دهد این مجموعه‌های زیستی - در ادامه همان روندی که به پدیداری خودبه‌خودی آنان منجر شد - با حرکت در مسیر سریع تکاملی، به تدریج بر نابسامانی‌های ناشی از زایش بی‌برنامه و غیرمنتظره خود غلبه می‌نمایند و به زیستگاهی تبدیل می‌شوند که بسیاری از وجوه و کیفیت‌های مورد نیاز را برای زندگی شهری مناسب دارا هستند. بنابراین می‌توان در یک نگاه خوشبینانه، چنین پیش‌بینی نمود که این سکونتگاه‌ها به زودی از پویاترین و سرزنده‌ترین شهرهای مجموعه کلانشهر تهران به شمار آیند.

اگر یکی از معیارهای مهم و تأثیرگذار برای شناخت یک شهر را به عنوان سکونتگاه خوابگاهی وجود و حضور فضاهای عمومی متعدد، پویا، با نشاط و کارا در مجموعه زیستی بدانیم، اسلامشهر به عنوان پرجمعیت‌ترین و قدیم‌ترین کانون زیستی خودانگیخته پیرامونی شهر تهران، تجربه موفق و حیرت‌انگیزی را پیش‌روی پژوهشگران قرار می‌دهد. همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، این سکونتگاه با تولید و گسترش نمونه‌های متفاوتی از فضاهای عمومی گام‌هایی بلند را در مسیر افزایش کیفیت زندگی ساکنان و حرکت به سوی ایجاد یک زندگی شهری پایدار برداشته است.^۵ در این پژوهش نیز، با تکیه بر بازخوانی روند شکل‌گیری و دگرگونی فضاهای عمومی اسلامشهر، در ارتباط

با دگرگونی‌های اجتماعی این کانون، مورد توجه واقع شده و نتایج قابل توجهی را ارائه نموده است.

در روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش پیش‌رو، شرح و تبیین انگاره‌های اساسی و دغدغه‌های مطرح شده در آن، نیازمند انجام فرآیندی دو سطحی است: سطح اول، کاوش در بعد نظری؛ سطح دوم، حرکت در بعد عملی. در بعد نظری، اصلی‌ترین روش به کار گرفته شده، پژوهش اسنادی یا روش اسنادی است. «پژوهش اسنادی، در واقع یکی از فراگیرترین روش‌هایی است که به شکلهای گوناگون در گردآوری داده‌ها مورد استفاده واقع می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۷۳۳) در روش تحقیق اسنادی، فرضیات مشخصی وجود دارد که به تحلیل - داده‌های کیفی - و هم آزمون - داده‌های کمی - می‌پردازد. تحلیل از طریق روش تاریخی و روش مقایسه‌ای یا تطبیقی و آزمون نیز براساس روش آزمون فرض آماری در درون اسناد، صورت می‌گیرد. از آنجا که پژوهش حاضر در بعد نظری، عمدتاً، مبتنی بر مباحث کیفی است، به نظر می‌رسد روش تحلیلی به هر دو صورت تاریخی و تطبیقی، شیوه‌ای راهگشا برای شرح و تبیین انگاره‌های اصلی پژوهش باشد؛ به دیگر سخن، شرح و بسط مقولاتی همچون فضای عمومی، دلالت‌های معنایی آن، زندگی شهری و تعاملات اجتماعی و...، نیازمند اتخاذ روش بررسی تاریخی - تطبیقی است.

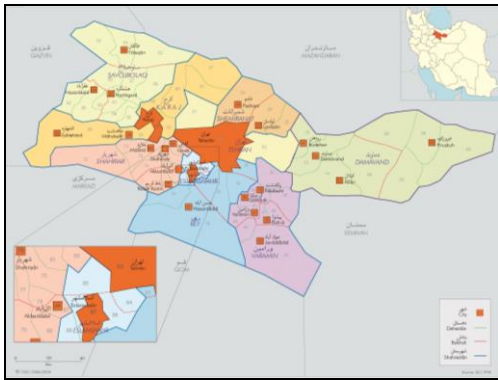
در بعد عملی نیز، که هدف درک و تصویری کم و بیش روشن از فضاهای عمومی و زندگی جمعی معاصر در شهر اسلامشهر است، از روش پژوهش میدانی استفاده شده است که عمدتاً با پرسه زنی در فضا، مصاحبه با مردم و مشاهده دقیق فضاها،



تحركات اجتماعى قابل توجهى در آنها بروز و ظهور مى‌يابد.

نگاهى به شهرستان اسلامشهر

كانون زيستى اسلامشهر، از توابع استان تهران و در همسايگى كلانشهر تهران، در ميان مجموعه‌اى از شهرهاى كهن قرار دارد. اين شهرستان در فاصله تقريبي ۱۵ كيلومترى از تهران بر روى محور جاده قديم تهران-ساوه استقرار يافته است و از شمال به تهران، از شرق و جنوب به شهرستان رى، از غرب به رباط كريم و در شمال به شهرستان شهريار محدود مى‌گردد.



تصویر ۱: تقسیمات اداری استان تهران-۱۳۷۵
(مأخذ: حبیبی و هورکاد، ۱۳۸۴)

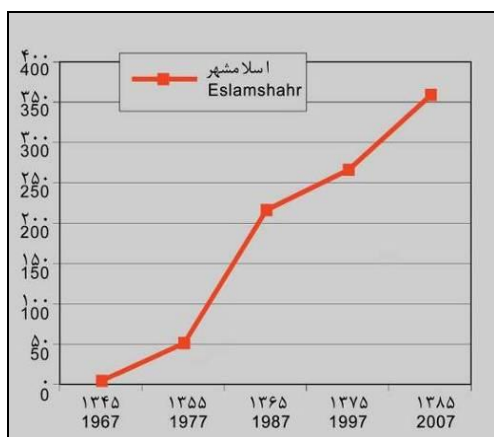
«مساحت آن بالغ بر ۲۰۸ كيلومتر مربع است و مطابق آخرين تقسيمات كشورى در سال ۱۳۷۶، از بخش تابع شهرستان رى منفك و به شهرستان مستقلى تبديل شد. اسلامشهر يكي از فرمانداريهاى دوازده گانه استان تهران محسوب مى‌گردد و داراى دو بخش چهاردانگه و مركزى است كه هر يك داراى دو دهستان هستند: بخش چهاردانگه مركب از دودهستان چهاردانگه و فيروز بهرام و بخش مركزى شامل دو دهستان احمدآباد مستوفى و ده عباس است كه مجموعا داراى ۴۷ پارچه آبادى است. اين منطقه، در دوره قاجاريه منزلگاه اردوى

مكانها و عناصر شهرى صورت گرفته است. پژوهش حاضر در پى ثبت تصورهاى ذهنى و تصويرهاى ماندگار از وجوه و لحظه‌هاى گريزپاى زندگى معاصر مردمان اسلامشهر در فضاهاى عمومى شهر بوده است. با بررسى تفاوتها، تشابهات و بطور كلى درونمايه و محتواى اين فضاها و مكانها، نتايج و يافته‌ها در قالب سه گونه اصلى (فضاهائى شهرى، فضاهائى مذهبى، فضاهائى سبز) و يك گونه فرعى (فضاهائى غيررسمى و بالقوه) جمع‌بندى شده و در انتها نيز از طريق مقابله يافته-هاى ميدانى با مبانى تئوريك پژوهش، ويژگيها و مشخصه‌هاى فضاهاى عمومى شهر اسلامشهر بر مبنائى معيارهاى سه‌گانه كالبدى، عملكردى و اجتماعى ارائه شده است.

پيشتر بايد اشاره كرد كه در تبين مفهوم «فضاى عمومى» و «فضاى شهرى» در سكونتگاههاى خودانگيخته، استفاده از تعاريف رسمى موجود در ادبيات شهرسازى معاصر، به علت فقدان برخى از نمودهاى مورد استفاده اين تعاريف، فايده‌اى مترتب نيست و براى روشن شدن وجوه مختلف اين امر، نياز به پژوهشهاى عميقتر در اين زمينه وجود دارد. براى نمونه فرسودگى شديد كالبدى و يا فقدان چنين عنصرى، در بسيارى از فضاهاى مورد استفاده در زندگى جمعى ساكنان اين مناطق -كه كاركردى عمومى و روزمره دارند- موجبات بى‌توجهى را به چنين فضاهاى مهم ايجاد كرده است كه در ادامه به توضيح بيشتريه اين امر و تبعات ناشى از آن، پرداخته مى‌شود. در نتيجه در اين پژوهش فضاهاى شهرى به عنوان فضاهاى عمومى مورد اشاره قرار گرفته‌اند كه به دلایل متفاوت از سوى ساكنان به صورت جمعى و گروهى استفاده شده و



کرج نام دارد، که از پرآبترین رودخانه‌های دامنه جنوبی البرز است و در ۴۰ کیلومتری مغرب تهران از «خرسنگ کوه» سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود در دشت اسلامشهر به نامهای سیاه آب یا سیاب و سالورنیز خوانده می‌شود. (www.islamshahr.gov.ir) براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ش. این شهرستان دارای ۱۱۴۰۰۹ خانوار با جمعیتی برابر با ۴۴۷۱۹۲ هزار نفر بوده است. بنابراین، جمعیت شهر اسلامشهر از ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۵۷ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.



نمودار ۱. نرخ سالانه رشد جمعیت در اسلامشهر ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ (مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

جدول ۱: جمعیت کانون زیستی اسلامشهر از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ (مأخذ: حبیبی، ۱۳۸۷)

سال	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵
سال	2007	1997	1987	1977	1967
اسلامشهر	۳۵۷	۲۶۵	۲۱۵	۵۰	۱
Eslamshahr	357	265	215	50	1

۱. شکل‌گیری، توسعه و تکامل اسلامشهر

نزدیک به چهاردهه از شکل‌گیری اسلامشهر، به عنوان بزرگترین و قدیمترین کانون زیستی خودانگیخته پیرامونی تهران می‌گذرد، که به مثابه کانونی خوابگاهی مرتبط با منطقه‌های صنعتی واقع بر محور جاده مخصوص کرج و جاده ساوه شکل

همایونی بوده و به نام قاسم آبادخالصه خوانده می‌شده است. در این میان این زیستگاهها به دلیل مرغوبیت و حاصل‌خیزی زمینهای مستعد کشت و زرع و وجود رودخانه کرج و رشته قناتهای جاری در آن و همچنین نزدیکی به تهران از دیر باز مورد توجه بوده است. (www.islamshahr.gov.ir) در دهه‌های اخیر و «در نشریات مرکز آمار ایران و فرهنگهای جغرافیایی تا سال ۱۳۵۲ ش. از منطقه اسلامشهر با عنوان قاسم آباد شاهی یاد شده است؛ اما در سال ۱۳۵۲ ش. با توجه به گسترش مناطق مسکونی و توسعه نقاط شهری در اراضی قاسم آباد و محمدآباد چهارطاق و احتمالاً به سبب ایجاد یک جاذب روانی نام شادشهر بر آن نهادند.» (همتی، ۱۳۸۴: ۱۱) به این ترتیب اسلامشهر که از سال ۱۳۵۲ با نامشادشهر یکی از بخشهای شهرستان ری محسوب می‌شده است، «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸، اسامی معابر و خیابانها و شهرکهای تازه تأسیس به نام ائمه اطهار^(ع) و شخصیتهای مذهبی- سیاسی کشور نامگذاری شده و شادشهر به اسلامشهر تغییر نام یافت.» (همان، ۱۱)

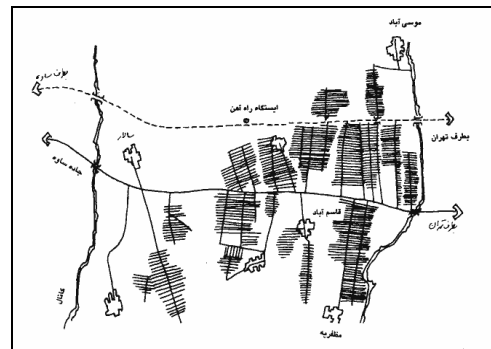
این شهرستان با استقرار در مجاورت محورهای مهم ارتباطی کشور، بستر مناسبی را برای توسعه آبادانی خود در اختیار دارد. عبور بزرگراهها تهران-قم و تهران-ساوه از دو سوی آن و قر گیری در کنار ایستگاه راه‌آهن آپرین به عنوان یک از مهمترین ایستگاه ترابری ریلی کشور و نیز نزدیکی به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) از مهمترین این عوامل اند.

از نظر طبیعی اسلامشهر در منطقه حاشیة کویر مرکزی ایران واقع شده است و «مهمترین رودخانه ای که از کرانه غربی شهر عبور می‌کند، رودخانه





گرفته است. اسلامشهر در نقطه‌ای استقرار یافته که پیش از پیدایش آن، منطقه‌ای کشاورزی واقع در حوزه آبریز رودخانه کرج بوده است. قاسم‌آباد شاهی، موسی‌آباد، سالور، چیچکلو و آپرین و ... که امروزه اجزایی از اسلامشهر را تشکیل می‌دهند، در گذشته روستاهایی بوده‌اند که به مرکزیت روستای قاسم‌آباد شاهی در این منطقه زیست می‌کرده‌اند. پدیده اسلامشهر که روزگاری با تحولات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی- فرهنگی کشور (انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و مهاجرت روستاییان به شهرها و ...) در حاشیه تهران تولد یافت، امروزه در مقام نوزدهمین کانون جمعیتی کشور (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) به عنوان بازیگری اجتماعی به ایفای نقشی فعال در منطقه کلانشهر تهران می‌پردازد. مطالعات گذشته بر روی ساختار اسلامشهر نشان می‌دهد که این کانون در آغازین سالهای تکوین و شکل‌گیری نه به صورت یک کانون منسجم، که به صورت مجموعه‌ای متشکل از نزدیک به ۳۰ کانون زیستی مستقل؛ ولی مجاور هم قوام یافته است.^۷



تصویر ۲: کانون‌های متشکله اسلامشهر

مأخذ: حبیبی، ۱۳۷۱

رشد و گسترش مستقل کانونهای زیستی، تأثیر مستقیم و جدی بر نوع و کیفیت عملکردهای معاصر فضاهای عمومی رو به انسجام مجموعه، داشته است. در این میان، اسلامشهر در روند

دگرگونی خود، از مرتبه یک سکونتگاه خوابگاهی، به مجموعه‌ای با جلوه‌های گوناگون شهرنشینی و شهرگرایی، مبدل شده است. این مجموعه زیستی در سیر تطور و تکوین خود با استفاده از نیروهای درونزا موفق به تولید مجموعه‌ای از فضاهای عمومی شده است که گرچه همچنان از نظر کالبدی و نه عملکردی به صورت منفصل به حیات خود ادامه می‌دهند، به عنوان مهمترین جلوه‌گاه بروز و تبلور حیات اجتماعی و مدنی ساکنان شناخته می‌شوند. به نظر می‌رسد انبوهی جمعیت این کانون-زیستی و تلاش در مسیر تأمین نیازهای اجتماعی-اقتصادی و در نهایت فرهنگی ساکنان و نیز همجواری آن با زیستگاه‌های پرجمعیتی مانند نسیم‌شهر (اکبرآباد)، سلطان‌آباد و گلستان- که در مجموع جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر را به همراه اسلامشهر در خود جای داده‌اند- در پدیداری وضعیت کنونی نقشی عمده داشته‌اند. در این میان، اصلی‌ترین عاملی که نقشی موثر بر شکل‌گیری و تکوین منفصل فضاهای عمومی در اسلامشهر داشته، بحث تکوین کانونهای شکل دهنده اسلامشهر به صورت جدا از هم است که به پدیداری کیفیتها و کمیتهای ویژه در فضاهای عمومی و تجاری هریک از این کانونها منجر شده است.

برای نظم بخشی به روند بررسیهای طرح، دوره نزدیک به چهل سال دگرگونیهای این کانون زیستی را با توجه به رویدادهای مهم تأثیرگذار بر حیات آن، به چهار دوره تقسیم می‌نماییم. در بیان علل انتخاب مرزهای زمانی این دسته‌بندی می‌توان گفت که انقلاب سفید به عنوان آغاز این دوره به علت تأثیراتی عمیق که بر روی وضعیت معیشتی روستائینان گزارد، زمینه‌های مهاجرت بسیاری از

آنان را به سوی شهرهای بزرگ فراهم نمود و از همین رو، زمان آغاز پدیداری چنین زیستگاه‌هایی را باید در سالهای نزدیک به آن جستجو کرد.^۸ انقلاب اسلامی ایران نیز به دلیل تأثیراتی سریع و عمیق که بر روی جمعیت و وسعت اسلامشهر داشته است به عنوان مرز پایانی دوره اول و آغازین دوره دوم برگزیده شد. پایان جنگ تحمیلی نیز به عنوان مرز پایانی دوره دوم، به سبب تأثیراتی که در وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور از خود بر جای گذاشت و موجب بازگشت برخی از مهاجران جنگ‌زده به موطن اصلی خود و نیز در کنار آن با بهبود اوضاع اقتصادی کشور، زمینه‌های پرداختن به وضعیت چنین سکونتگاه‌هایی را از سوی مسئولان فراهم آورد، انتخاب گردید. از جمله این تأثیرات تهیه طرح جامع اسلامشهر در سال بعد است که در دوره افق ده ساله خود تأثیری گسترده در کنترل رشد بی‌رویه اسلامشهر و سامان‌بخشی به ساختار آن بر عهده داشت، لذا سالهای آغاز و پایان آن به عنوان مرزهای دوره سوم برگزیده شد. دوره چهارم نیز که به سالهای بعد از پایان افق طرح جامع تا روزگار معاصر ما اختصاص دارد دربرگیرنده دگرگونی‌هایی عمده در وضعیت زیستگاه بوده است که یکی از دلایل آن را می‌توان در فقدان طرح جامع و تفصیلی روزآمد و منطبق با تحولات اخیر بازجست. به این ترتیب، دوره‌های چهارگانه به عنوان بستر زمانی بررسیها به شرح ذیل تدوین شد:

- از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷): توسعه هسته‌های روستایی کهن موجود در منطقه و همزمان شکل‌گیری کانونهای زیستی خودانگیخته درخود و جدا از هم، نبود مفاهیم محله و خیابان، سکونت خانوارهای بسیار جوان و

کم تعداد با فقر نسبی و اوقات فراغت اندک، رواج نوعی زندگی روستایی، تأسیس شهرداری (۱۳۵۴). - از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۶۷): رشد سریع و غیرقابل تصور جمعیت و وسعت شهر و شکل‌گیری نزدیک به ۳۰ کانون زیستی درخود و جدا از هم، شکل‌گیری مفهوم خیابان، خانوارهای جوان با فرزندان بسیار، مشکلات اقتصادی روزافزون و نداشتن اوقات فراغت، رواج نوعی از زندگی نه روستایی و نه شهری، تبدیل به بخش‌داری (۱۳۶۷).

- از تصویب اولین طرح جامع تا پایان افق آن^۹ (۱۳۶۸-۱۳۷۸): موفقیت نسبی طرح جامع در کنترل توسعه غیرمنطقی منطقه مرکزی مجموعه و در عین حال تشکیل کانونهای زیستی خودانگیخته دیگر در حاشیه اسلامشهر، بروز مشکلات بسیار در تأمین نیازهای اولیه سکونتگاه و ایجاد تعارضات گسترده اجتماعی، آغاز فعالیت جدی نهادهای مدنی مانند شهرداری در اواخر دوره، احداث فضاهای سبز وسیع، شکل‌گیری مفاهیم محله و خیابان تجاری، خانوارهای میانسال با فرزندان جوان و نوجوان و خردسال، اوقات فراغت زیاد فرزندان و طلب فضاهای مورد نیاز (فضای عمومی)، تبدیل به شهرستان (۱۳۷۳).

- از پایان افق طرح جامع تاکنون (۱۳۷۸-۱۳۹۱): رشد سریع جمعیت با توجه عوامل درونزا (تکثیر خانواده‌ها در نتیجه ازدواج فرزندان جوان و زاد و ولد طبیعی) و برونزا (مهاجرت از تهران به اسلامشهر)، متنوع شدن ترکیب اجتماعی-فرهنگی ساکنان، بروز جلوه‌های اختلاف طبقاتی در سکونتگاه و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی-اجتماعی برخی طبقات، بازسازی و نوسازی بافتهای اولیه، ایجاد نوعی همگرایی در میان





کانونهای زیستی با حمایت سیستم مدیریت شهری، تبدیل خیابانهای تجاری به بازار و ایجاد نوعی استخوان‌بندی ابتدایی در ساختار فضایی سکونتگاه، تشکیل خوشه‌های خانوادگی مرکب از والدین کهنسال و بازنشسته، فرزندان ازدواج کرده و خانواده‌های مرتبط با این امر و فرزندان در خانه، اوقات فراغت فراوان و استقبال از فضاهای شهری موجود و طلب روزافزون برای ایجاد فضاهای عمومی جدید، شکل‌گیری برخی از فضاهای عمومی توسط شهروندان.

۱،۱ از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی^{۱۰} (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

«مسئله حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در ایران (ناشی از دگرگونیهای پس از کودتای سال ۱۳۳۲) به سالهای ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. سالهایی که سه برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور پایان یافته و برنامه چهارم پس از «انقلاب سفید» مدون و در دست اجراست. بررسیها نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۱۰ روستا با جمعیتی نزدیک به ۱۰۰۰ نفر در منطقه مورد مطالعه وجود داشته‌اند. با اجرای طرح سد کرج و کاهش میزان آب کشاورزی در منطقه و کاهش بازده زمینهای کشاورزی و از سوی دیگر، زمینه پدید آمده در مهاجرت بی‌رویه به تهران و نیاز روزافزون به امر مسکن، شرایط مناسب برای سوداگری و ساخت و ساز بر روی زمینهای این منطقه آغاز می‌گردد. از سویی شاهد رشد روستاهای موجود در منطقه و از سوی دیگر تقسیم‌بندی زمینهای کشاورزی و فروش آنها هستیم. مهاجرت روستایی نشأت گرفته از «اصلاحات ارضی» به سوی شهر در حال شکل‌گیری است. در پی این تحولات، برای اولین

بار، مسأله حاشیه‌نشینی به عنوان یک معضل اقتصادی-اجتماعی چون سدی در مقابل برنامه‌های دولت جلوه می‌نماید. در برابر طرح جامع ۱۳۴۵ تهران پاسخ روشن و صریحی به مسأله حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی داده و همه این نقاط را در خارج از محدوده‌های قابل ساخت و ساز خود قرار داده است؛ اما در مقابل، روند دگرگونیها بی‌توجه به این مرزبندیها و محدودیتها، راه خود را طی می‌نمایند. هسته‌های روستاهای کهن، به خصوص روستاهای مجاور راهها و جاده‌هایی که از تهران منشعب می‌شوند، صحنه قویترین و وسیعترین عملیات واسطه‌گری و سوداگرانه واقع می‌شوند. در چنین شرایطی اسلامشهر با مجموعه‌ای نزدیک به ۳۰ کانون زیستی در ۲۰ کیلومتری تهران و بر روی جاده ساوه استقرار می‌یابد.» (حبیبی، ۱۳۷۳: ۶۲-۶۵)^{۱۱}

در تقسیم‌بندی این اراضی از نوعی سیستم قطعه‌بندی به اصطلاح شهری استفاده می‌شود. با الگوگیری از توسعه‌های جدید تهران مثل نارمک، در طرحهای ارائه شده برای منطقه، علاوه بر زمینهای اختصاص یافته به امر مسکن بخشهایی نیز به کاربریهایی مانند پارک، میدان، مسجد و مدرسه اختصاص می‌یابد. هرچند که بسیاری از این پیش-بینی‌ها جامه عمل به خود نپوشیده و در آینده به کاربریهای تجاری اختصاص می‌یابند. به طور عمومی شکل این تقسیم‌بندی عبارت است از یک محور عبوری مستقیم به عرض ۱۸ تا ۲۴ متر که به محور میانی کانون (جاده ارتباطی تهران-ساوه) به صورت عمودی اتصال می‌یابند. در برخی از این خیابانها، میدانهای بیضی و یا دایره‌شکلی نیز پیش-بینی شده و کوچه‌هایی عمود بر این خیابانها با عرضی در حدود ۸ تا ۱۰ متر احداث می‌گردد.

طول خیابانها متناسب با امر مالکیت زمین و موانع محدود کننده، از ۶۰۰ تا ۲۴۰۰ متر را در بر می‌گیرد. استفاده از این نوع قطعه‌بندی به اصطلاح - شهری، تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری و کیفیت فضاهای عمومی و شهری در سالهای اخیر داشته و چهره اسلامشهر را نسبت به بسیاری از کانونهای زیستی خودانگیخته کشور، از لحاظ نظم ظاهری معابر متفاوت می‌نماید.

در این میان، در ابتدای شکل‌گیری این کانون زیستی، با توجه به عوامل امنیتی و روانی مانند احساس ناامنی در مجاورت خیابانهای اصلی، قطعه‌های درون بافت و کوچه‌ها زودتر مورد ساخت و ساز واقع شده، تا سالهای آغازین انقلاب، جداره‌های پیوسته در این محورهای اصلی شکل نمی‌گیرد و در این مدت، تنها کاربریهای تجاری محدودی که تأمین کننده نیازهای روزانه ساکنان است، در این محورها استقرار می‌یابد.

از سوی دیگر برخی از عناصر مهم و عمومی مورد نیاز، مانند مدارس و مساجد نیز با مدیریت ساکنان مشخص محلی و کمک و مساعدت نهادهای مردمی مانند بازاریان تهران، ساخته می‌شوند. همچنین به مرور زمان و با ایجاد روابط همسایگی و یا با وجود وابستگی‌های قومی، اولین هیأت‌های مذهبی به‌عنوان مهمترین نهادهای جمعی و مردمی زیستگاه شکل می‌گیرد که فضای خانه‌ها را به عنوان مکان استقرار خود بر می‌گزینند.^{۱۲}

از نظر ساختار خانواده‌ها، عمده ساکنان این کانونها در این دوره، خانواده‌هایی با سرپرستانی بسیار جوان و تعداد انگشت‌شماری از فرزندان خردسال، تشکیل می‌دادند. اکثر این خانواده‌ها از

تصویر ۳: خیابان خاکی و جداره‌های شکل‌نگرفته، خیابانی در شهرک شیروزی. (مأخذ: همسو، ۱۳۶۷)

وضعیت مالی چندان مناسبی بهره‌مند نبوده^{۱۳} و بسیاری از سرپرستان این خانوارها در حوزه خدمات کارگری شاغل و عمدتاً در کارخانه‌های واقع در جاده مخصوص کرج، جاده ساوه و یا سایر منطقه‌های صنعتی تهران مشغول به کار بودند. با توجه به نوع اشتغال و تأمین نبودن مالی خانوارها، سرپرست خانوار عمده وقت خود را دور از خانه و در محیط کار می‌گذرانند.^{۱۴} مادران نیز با توجه به خردسال بودن فرزندان و نبود فضاهای عمومی مناسب - به غیر از کوچه‌ها - عمده وقت خود را صرف رسیدگی به امور آنان می‌کردند و سایر اوقات را با دیگر خانمهای همسایه می‌گذراندند. چنین وضعی محیط خانه و کوچه را بستری مناسب برای فعالیتهای کودکان تبدیل می‌کرد تا تحت نظر مادران خود به فعالیت و بازی بپردازند و از زمین و دیوارهای کوچه متناسب با نوع بازیهای خود استفاده کنند. شکل‌گیری همین فعالیتهاست که در آینده فضای کوچه‌های اسلامشهر را به عنوان ادامه فضای خصوصی خانه مطرح می‌نماید، به نحوی که تا سالهای اخیر نیز، فضای کوچه‌های اسلامشهر، در زمان اشتغال مردان (صبح تا عصر) در اشغال زنان بوده و به عنوان نوعی فضای نیمه عمومی جنسیتی مطرح می‌شود.





با توجه به نوع شکل‌گیری برنامه‌ریزی نشده و خودانگیخته کانونهای زیستی تشکیل دهنده اسلامشهر، در این دوره، فضا یا فضاهای مناسبی برای گذران اوقات فراغت محدود پیش آمده خانوارها - عمدتاً در روزهای آخر هفته - در منطقه موجود نبوده و آنان این اوقات را یا به استفاده از فضاهای عمومی تهران پرداخته و یا با توجه به وابستگی‌های قوی قومی مرتبط با مبداهای مهاجرت خود می‌گذرانند.^{۱۵}

همزمان با این تحولات، احداث برخی مجتمعهای مسکونی و همچنین بعضی امکانات رفاهی مانند مسجد و شرکت تعاونی مصرف از سوی مؤسسات صنعتی و غیرصنعتی مانند شرکت ایران خودرو (ایران ناسیونال)، کفش ملی، کفش وین (پیروزی) و مؤسسه کیهان در منطقه صورت می‌گیرد که چهره‌ای کاملاً متفاوت با سایر مناطق سکونتگاه را ارائه می‌نماید و در کنار سایر کانونهای زیستی مجموعه به گونه‌ای متفاوت به سیر تکامل خود ادامه می‌دهند.

از همین رو، در این دوره به علت تکوین جدا از هم و در خود کانونهای زیستی تشکیل دهنده اسلامشهر، نمی‌توان از وجود مرکزیتی خاص برای کل مجموعه سخن گفت و تنها گره ترافیکی موسوم به «سرنوری» با مجموعه‌ای از قهوه‌خانه‌ها، حمام و مغازه‌های تأمین کننده نیازهای روزانه در مقام مرکز غیر رسمی سکونتگاه و به عنوان پایانه تردد به تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین بارگاه امامزاده عقیل در همسایگی روستای کهن قاسم آباد شاهی (خیابان تختی فعلی) نیز، به عنوان یکی از مراجع ذهنی منطقه از سوی ساکنان مورد اقبال واقع شده و نیز به عنوان گورستان مجموعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. «با توجه به افزایش

جمعیت اسلامشهر در این دوره و شکل‌گیری کانونهای زیستی متعدد در سال ۱۳۵۴ ه.ش، این زیستگاه نقطه شهری محسوب شده و دارای شهرداری می‌شود.» (همتی، ۱۳۸۴: ۱۰) در این میان علی‌رغم برخورداری از آب لوله‌کشی محلی از ابتدای تشکیل زیستگاه، شبکه برق منطقه‌ای در سالهای نزدیک به انقلاب، اسلامشهر را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. «بدین ترتیب این کانون در سال ۱۳۵۵ جمعیتی نزدیک به ۵۰ هزار نفر را در خود جای می‌دهد.» (حبیبی و هورکاد، ۱۳۸۴: ۶۲)

۱،۲ انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

این دوره زمانی ۱۰ ساله را می‌توان به دلایلی یکی از مهمترین دوره‌های تاریخ شهرنشینی معاصر کشور قلمداد نمود. «از سویی با نگرش منفی که نسبت به شهر و شهرنشینی در آغازین سالهای پدیداری انقلاب اسلامی وجود دارد، شهرهای بزرگ به مثابه نمادی از روابط بیگانه تلقی شده و با پس‌زمینه‌های ذهنی که در پی درگیریهای سالهای ۵۶ و ۵۷ بین داخل محدوده‌ای‌ها و خارج محدوده‌ای‌ها (حاشیه‌نشینان) وجود دارد، هرگونه طرحی که مبتنی بر نظام محدوده‌ای است مورد بی‌مهری واقع شده و دیگر هیچ طرحی برای شهر و چگونگی رشد آن وجود ندارد. بدین ترتیب شهرها در دو سال آغازین انقلاب رشد حیرت‌آوری را تجربه می‌کنند» (حبیبی، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۲۰) که در این میان، در حاشیه‌ها و حومه‌ها از رشد بیشتری برخوردارند.

از سوی دیگر با وقوع جنگ تحمیلی جابجایی‌های گسترده جمعیتی در پهنه سرزمین روی داده و

بسیاری از این مهاجران، شهرهای بزرگ، به‌خصوص حومه‌های آنها را به‌عنوان مکان جدید سکناى خود انتخاب می‌کنند. اسلامشهر نیز به تبع همین تحولات، شاهد هجوم یکباره جمعیت انبوه متقاضی مسکن ارزان‌قیمت، مرکب از رانده‌شدگان از تهران و دیگر شهرهای بزرگ، روستاییان مهاجر خواهان درآمد بیشتر و همچنین عده‌ای از مهاجران جنگی بوده است. لذا اسلامشهر در این اوضاع، به همراه بخشهایی از شهر کرج، بالاترین نرخ رشد جمعیت را در تاریخ پس از انقلاب تجربه می‌کند. به این ترتیب «جمعیت اسلامشهر از ۵۰ هزار نفر در سال ۶۵ می‌رسد.» (حبیبی و هورکاد، ۱۳۸۴: ۶۲) در پی ورود این سیم جمعیتی، با افزایش نسبی تراکم ساختمانی و جمعیتی در کانونهای شکل گرفته اولیه و همچنین تولد کانونهای زیستی جدید مواجه می‌شویم.

جدول ۲: تعداد و بعد خانوار-۱۳۶۴

مأخذ: مهندسان مشاور همسو

جمعیت کل شهر در سال ۱۳۶۴	تعداد کل خانوار	بعد خانوار
۲۲۷۱۷۲	۴۳۱۸۱	۵/۳

با افزایش روزافزون جمعیت و فزونی درخواستها برای تأمین حداقل مایحتاج روزانه زندگی در داخل کانونها، جریان ضعیفی از فعالیتهای تجاری در منطقه شکل می‌گیرد که مکان استقرار خود را در حاشیه محورهای ارتباطی داخل کانونها جستجو می‌کند. با توجه به این عوامل و اوضاع ساخت و ساز در سالهای آغازین انقلاب، به یکباره زمینهای مجاور محورهای ارتباطی مورد ساخت قرار می‌گیرد و کاربریهای تجاری متنوعی در آنها استقرار می‌یابند و صورتی ابتدایی از

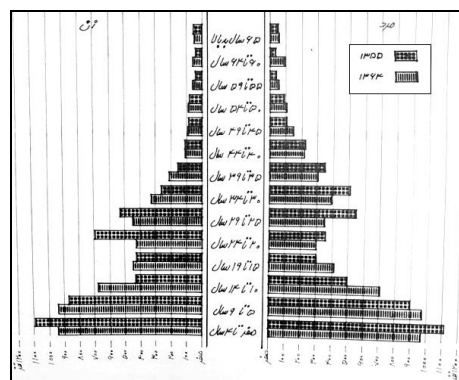
خیابانها و فضاهای عمومی پرروتق آینده را شکل می‌دهند. از همین رو، در محورهای اصلی مجموعه اسلامشهر مانند باغ فیض، موسی‌آباد، مهدیه و ... ترکیبی از کاربریهای مورد نیاز زندگی روزانه ساکنان و در محورهای فرعی تر کاربریهای خدماتی مانند تعمیرگاه‌های خودرو مستقر می‌شوند. بدین ترتیب در فقدان فضاهای ورزشی و فرهنگی مورد نیاز ساکنان^{۱۶} مفهوم خیابان برای اولین بار در بخشهایی عمده از زیستگاه معنا یافته و مورد استقبال ساکنان قرار می‌گیرد.^{۱۷} از سوی دیگر، فضاهای مذهبی همچنان به عنوان یکی از مهمترین اماکن گردهم‌آبی و تجمع ساکنان، اهمیتی ویژه دارد، بگونه‌ای که «در سال ۱۳۶۷ تعداد ۶۹ مرکز مذهبی شامل ۵۷ مسجد، نه حسینیه و یک خانقاه در اسلامشهر فعال بوده‌اند.» (مهندسان مشاور همسو، ۱۳۶۷: ۵۷)

اسلامشهر در این دوره همچنان نوعی از زندگی در مکان را تجربه کرده و تنها به عنوان یک مجموعه سکونتگاهی خوابگاهی با جریان نه چندان قوی از اقتصاد محلی زیست می‌نماید. تحولات کالبدی و اجتماعی به وقوع پیوسته در اسلامشهر در این دوره، همچنان پیوندی تنگاتنگ با ساختار خانواده‌ها و شیوه معیشت آنان دارد. از سویی، با توجه به تشویقهای صورت گرفته برای افزایش زادولد در اوایل انقلاب و نیز دیدگاه مذهبی ساکنان، با افزایش میزان زایش، نوزادان متولد شده به همراهی کودکان دوره پیشین، تعداد افراد خانوار را افزایش می‌دهند؛^{۱۸} کودکانی که در جستجوی مکانی برای بازی و تفریح، مکانی بهتر از کوچه‌ها را نیافته و آنجا را به عنوان عرصه و فضای فعالیتهای خود برگزیدند. از سوی دیگر، با توجه به افزایش سابقه سکونت در کانونهای





زیستی و تقویت روابط همسایگی، کوچه‌ها در ساعت‌های میانی روز به محل تشکیل جلسات روزانه بانوان تبدیل شده و در این جلسات بسیاری از همیارها و تعاملات همسایگی شکل می‌گیرد. سرپرست خانوار نیز با توجه به افزایش شدید بعد خانوار و نیازهای مادی روزافزون مرتبط با آن و نیز کمبودهای ناشی از جنگ، بیشتر وقت خود را به کار می‌پردازد و ترجیح می‌دهد اوقات فراغت بسیار اندک خود را به حضور در مساجد و یا هیأت‌های مذهبی فعال محلات صرف کند.^{۱۹}



نمودار ۲: هرم سنی جمعیت در سالهای ۵۵ و ۶۴
 مأخذ: همسو، (۱۳۶۷)

از دیگر نمودهای زندگی جمعی در اسلامشهر در سالهای پس از انقلاب، می‌توان به برپایی مراسم نماز جمعه اشاره کرد. این آیین از معدود تجمعاتی است که گستره‌ای وسیع از ساکنان مجموعه در آن شرکت می‌کنند. به دلیل فقدان مکان مناسب برای این مراسم، ابتدا مدرسه توحید واقع در خیابان ۲۰ متری امام خمینی (ره) و سپس مسجد امام حسین (ع) واقع در خیابان تختی (قاسم آباد) به عنوان مکان برگزاری نماز جمعه انتخاب می‌شود. این مکانی است که بعدها مصلی اسلامشهر به عنوان یکی از مهمترین فضاهای شهری کنونی - در مجاورت آن احداث می‌شود. در این میان، آیینی دیگر - که طیف

گسترده‌ای از مردم مجموعه را در برگزاری خود شرکت می‌دهد - مراسم مذهبی تاسوعا و عاشورا است که با حضور تعدادی زیاد از دسته‌های عزاداری و هیأت‌های مذهبی دائمی یا موقتی، در محل امامزاده عقیل برگزار می‌شود. این آیین امروزه نیز در ابعاد بزرگتر و با استقبال گسترده‌تر شهروندان برگزار می‌گردد که در بخش چهارم به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. فضای امامزاده عقیل، به عنوان تنها مرجع ذهنی مردم اسلامشهر، در این دوره، نمودی خاص می‌یابد. در این میان ساکنان مجموعه برای شرکت در مراسم ویژه مانند راهپیمایی ۲۲ بهمن به تهران عزیمت کرده و برای برخی دیگر از رویدادها، مانند رژه روز ۳۱ شهریور و یا تشییع جنازه شهدا و استقبال از آزادگان محور اصلی تهران-ساوه و خیابانهای محلی را انتخاب می‌کنند.

در این میان و در این سالها با افزایش روزافزون جمعیت در مجموعه اسلامشهر و به رسمیت شناخته نشدن آن از سوی مجموعه مدیریت شهری و تأمین نشدن نیازهای این جمعیت انبوه، و ناکارایی بستر طبیعی سکونتگاه برای تأمین بسیاری از نیازهای اولیه مانند آب، با گذشت زمان، از کیفیت زندگی در این مجموعه کاسته شده و زندگی در آن به یک رنج بزرگ تبدیل می‌شود. تشکیل مدارس سه نوبته، قطعی طولانی مدت آب و برق، و صفهای طولانی تهیه ارزاق عمومی از نمودهای چنین وضعیت مصیبت باری است. اسلامشهر در سال ۱۳۶۷ بر اساس مصوبات تقسیمات کشوری به بخشداری مبدل و تحت پوشش فرمانداری شهرستان ری قرار می‌گیرد. (همتی، ۱۳۸۴: ۱۱)

۱,۳ از تصویب اولین طرح جامع تا پایان افق طرح (۱۳۶۸-۱۳۷۸)

جمعیت اسلامشهر در دوره ده ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ با افزایش ۲۴ درصدی، از ۲۱۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ به ۲۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش می‌یابد. (حبیبی و هورکاد، ۱۳۸۴: ۶۲) همانطور که ملاحظه می‌گردد در این دوره از سرعت شتابان روند گسترش مجموعه کاسته شده و این دوره دارای کمترین میزان رشد جمعیت در دروان شکل-گیری مجموعه است. مهمترین عوامل مؤثر و دخیل در شکل‌گیری این وضعیت عبارتند از:

- **کاهش کیفیت زندگی:** کاهش کیفیت زندگی در این کانون زیستی را می‌توان یکی از دلایل این امر برشمرد. این امر تا بدانجا پیش رفت که در سالهای میانی این دوره به بروز اعتراضات و آشوبهای خیابانی انجامید.

- **افزایش بهای زمین و مسکن:** از سوی دیگر با افزایش نسبی بهای زمین و مسکن در این منطقه، دیگر کانونهای تازه شکل یافته در همسایگی اسلامشهر، مانند اکبرآباد و سلطان آباد از جذابیت بیشتری برای خواهندگان مسکن ارزان قیمت برخوردار شدند.^{۲۰}

- **سیاست کنترل مولید از سوی دولت:** با اتخاذ سیاست کنترل مولید در سطح کشور و ارائه نکردن خدمات حمایتی مانند بیمه تأمین اجتماعی به فرزندان سوم به بعد، بسیاری از خانواده‌های اسلامشهری با این سیاست همراهی می‌نمایند.

- **تأثیرگذاری طرح جامع:** تصویب و اجرای طرح جامع و نظارت‌های نسبی که از سوی شهرداری بر امر ساخت و ساز اعمال گردید،

تأثیری قابل توجه بر کاهش مهاجرتها به مجموعه داشته است. البته با وجود همه این نظارتها همچنان شاهد بروز پدیده‌های یک شبه‌سازی مانند کانون زیستی میان‌آباد بر روی اراضی اوقافی حاشیه اسلامشهر بوده‌ایم.

همان‌گونه که به تکرار در بندهای پیشین بدان اشاره شد، روند دگرگونی فضاهای عمومی و مکانهای جمعی اسلامشهر، ارتباط مستقیمی با دگرگونی در ساختار خانواده‌ها و به تبع آن تغییر نیازهای آنان دارد. در این دوره علی‌رغم کنترل موفقیت‌آمیز نرخ زاد و ولد، برخی از خانواده‌ها پذیرای فرزندان جدید شده‌اند. از سوی دیگر بسیاری از فرزندان متولد شده در پیش از انقلاب، به سنین جوانی رسیده و آماده ازدواج هستند. از همین رو، احداث روزافزون تالارهای ازدواج در مجموعه اسلامشهر معنا می‌یابد.^{۲۱}

در این میان فرزندان که ماحصل تولد کنترل نشده پس از انقلاب‌اند، به سنین نوجوانی رسیده‌اند و فضای تنگ کوچه‌ها را برای فعالیتها و برقراری تعاملات اجتماعی خود مناسب نمی‌بینند. از همین رو، بیشترین درخواست برای فضاهای عمومی جدید در اسلامشهر از سوی این گروه ابراز می‌شود و تأمین این نیاز به‌حق به یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری تبدیل می‌شود. در همین رابطه، شهرداری اسلامشهر با جذب منابع مادی و بازسازی ساختار خود، برخلاف دوره‌های گذشته حضوری محسوس در سطح زیستگاه داشته و نقشی تأثیرگذار را در مجموعه ایفا می‌نماید. احداث پارکهای نسبتاً وسیع در باغهای به جا مانده از دوران گذشته این منطقه و نیز احداث برخی فرهنگ‌سراها و ورزشگاه‌ها مانند مجموعه فرهنگی-ورزشی غدیر (۱۳۷۷) در حاشیه میدان





خروجی شهر، پارکهای شهید ندایی و مصطفی خمینی (۱۳۷۵) در خیابان زرافشان و پارک فدک و دیگر فضاهای شهری و عمومی در همین رابطه معنا می‌یابد. احداث میدان میوه و تره‌بار (۱۳۶۹) از اولین فضاهای ساخته شده توسط مدیریت شهری در گره ترافیکی سرنوری از دیگر اقدامات مهمی است که تأثیری فراوان بر سیمای مجموعه در آینده می‌گذارد. همچنین تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر از دیگر اتفاقات مهم است که در دوره بعدی به یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار بر چهره و هویت این زیستگاه تبدیل می‌شود.

بهبود نسبی و تدریجی اوضاع اقتصادی خانوارها پس از جنگ، تقاضای آنان را برای فضاهای تجاری که بتواند بسیاری از نیازهای آنان را با کیفیت نسبتاً مطلوب تأمین کند، در پی دارد. دگرگونی خیابانهای باغ‌فیض، آیت‌الله کاشانی و ۲۰ متری امام خمینی به فضاهای تجاری بسیار پویا و فعال ماحصل چنین نیروهای درون‌زایی است.^{۲۲} بنابراین، در پی این تغییرات، چنین فضاهایی در مقیاسی بسیار فراتر از محدوده کانون زیستی (محله) محل استقرار خود عمل نموده و گاه به مانند خیابان باغ‌فیض در مقیاسی فرامجموعه‌ای عمل می‌نمایند و مورد استفاده دیگر زیستگاه‌های خودانگیخته مجاور مانند اکبرآباد، سلطان‌آباد و گلستان و حتی مناطق جنوبی تهران (با توجه به ارتباطات قومی و رفت و آمدهای خانوادگی) قرار می‌گیرند.

در این دوره سرپرست خانوار را در وضعیتهایی متفاوت می‌توان مشاهده کرد. از سویی با گسترش فعالیت‌های خدماتی، آموزشی، به‌خصوص تجاری در سطح مجموعه و تأسیس ادارات مختلف دولتی در آن نوعی جدید از اشتغال در سکونتگاه شکل می‌-

گیرد که به سرپرست خانوار زمانی بیشتر، برای در کنار خانواده بودن می‌بخشد.^{۲۳} در این میان، با توجه به فقر نسبی اسلامشهر در زمینه فضای عمومی و شهری، این دسته از خانوارها به طور عمده، از فضاهای عمومی و تفریحی شهر تهران برای تأمین نیازهای اجتماعی و خانوادگی خود بهره می‌جویند؛ اما در این دوره نیز بخشی عمده از سرپرستان خانوار را کارگران تشکیل می‌دهند؛ کارگرانی که بر دو دسته‌اند: عده‌ای در مشاغل رسمی مانند کارخانه‌های بزرگ به کار مشغول‌اند، و دسته دیگر که در حوزه مشاغل غیررسمی به فعالیت می‌پردازند. گروه اول کارگران، که در این دوره در اواخر دوران خدمت خود بوده و در آستانه بازنشستگی هستند از وضعیت مالی به نسبت مناسبی برخوردارند و در پی بازنشستگی خود تأثیراتی تازه را بر کمیت و کیفیت فضاهای عمومی اسلامشهر خواهند گذارد؛ اما دسته دوم، با توجه به نبود امنیت شغلی و نداشتن درآمد کافی، در وضعیت ناپایداری به سر می‌برند و از همین رو زمینه‌های بروز تفاوت‌های طبقاتی در دوره بعدی مهیا می‌شود.

در این دوره همچنان فضای امام‌زاده عقیل به عنوان مهمترین مرجع ذهنی مجموعه مطرح بوده و زمینه شکل‌گیری فضاهای جدید مانند مصلی نماز جمعه آماده می‌شود. به طور کلی زندگی ساکنان اسلامشهر را در این دوره لایه‌های جدید و متفاوتی شکل می‌دهد که بر پیچیدگی فضاهای شهری در دوره بعدی حیات آن تأثیری عمده می‌گذارند. اسلامشهر در سال ۱۳۷۳ با تصویب هیأت وزیران از بخش به شهرستان ارتقا یافت. (همتی، ۱۳۸۴: ۱۱)

۱،۴ از پایان افق طرح جامع تا حال (۱۳۷۸-۱۳۹۱)

اسلامشهر در دوره ده ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ میزان رشد سالانه جمعیت ۳/۵ درصدی را تجربه می‌نماید و جمعیت آن از ۲۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۵۷ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد. (سالنامه آماری مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) نسبت رشد فزاینده جمعیت را در این دوره می‌توان معلول سه عامل عمده دانست:

- یک، گسترش حاشیه نشینی در اطراف اسلامشهر و شکل‌گیری و رشد کانونهای زیستی خودانگیخته جدید مانند میان‌آباد.

جدول ۳: آمار رشد جمعیت کانون حاشیه‌ای میان‌آباد (اسلامشهر) (مأخذ: شرکت آب و فاضلاب اسلامشهر)

سال	۱۳۵۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵
جمعیت	۰	۱۸۶۲۸	۲۴۶۹۴	۳۱۸۱۸

- دوم، زاد و ولد طبیعی ساکنان شهر: با توجه به اینکه کودکان و خردسالان دوران اولیه پیدایی اسلامشهر در این دوره به جوانانی آماده ازدواج تبدیل شده‌اند درصدی از این میزان رشد به این دسته تعلق دارد.

- سوم، مهاجران تازه به شهر: با توجه به بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی اسلامشهر و تأمین خدمات اولیه مورد نیاز (آب، برق، شبکه گاز شهری، تلفن) نسبتاً مطلوب برای کل زیستگاه و کمتر بودن قیمت زمین در مقام مقایسه با تهران، این منطقه از جاذبه‌های بیشتر برای طبقه متوسط و زوجهای جوان مناطق جنوبی تهران برخوردار می‌شود. در این میان توجه به اقدامات دولت و سازمانهای وابسته به آن در زمینه تولید مسکن در این منطقه و احداث شهرکهای مانند مسکن

جوانان، تأمین اجتماعی، جانبازان و واحدهای اجاره به شرط تملیک، بستری مناسب را برای پذیرش گروه فوق فراهم می‌آورد. همچنین در این دوره اولین برجهای مسکونی اسلامشهر در اراضی حاشیه‌ای شهر احداث می‌گردد.

با توجه به این دگرگونیها اسلامشهر امروز را می‌توان ترکیبی از انواع خانواده‌های متفاوت زیر دانست که هر یک نیازهای عمومی و اجتماعی خاص خود را در فضاهای عمومی سکونتگاه طلب می‌کنند. نخست، خانواده‌هایی که در دوره‌های اولیه تشکیل سکونتگاه به منطقه وارد شده و در آن استقرار یافته‌اند. می‌توان ساختار این خانواده‌ها را تشکیل یافته از پدر و مادری به نسبت کهن سال (بازنشستگان کارخانه‌های محورهای صنعتی تهران) و فرزندان جوان و نوجوانی دانست. توجه به جدول ۴ و افزایش بسیار زیاد تعداد دبیرستانها که بعضی از فرزندان این خانواده‌های پرتعداد نیز ازدواج کرده و در ساختمانهای چند طبقه نوساز والدین خود و یا در مجاورت آنها مسکن گزیده‌اند.

جدول ۴: مقایسه میان تعداد مدارس اسلامشهر در سطوح مختلف تحصیلی و جنسیتی در سالهای ۱۳۷۱، ۱۳۷۰، ۱۳۸۷ و (مأخذ: آمار ۶۷ مهندسان مشاور همسو، ۷۱ حبیبی (۱۳۷۱) و مأخذ آمار ۸۷ اداره آموزش و پرورش اسلامشهر)

۱۳۸۷		۱۳۷۱		۱۳۶۷	
ابتدایی	۱۱۳	۵۱	۲۵	۴۹	دخترانه
	۶۶	۳۶	۲۵		
راهنمایی	۹۶	۳۹	۱۴	۱۶	دخترانه
	۴۸	۱۵	۱۴		
دبیرستان	۸۵	۱۱	۷	۶	دخترانه
	۴۳	۴	۷		
مجموع کل		۹۱		۶۱	

این دسته با تشکیل شبکه‌های خانوادگی سعی می‌کنند از اوقات فراغت به دست آمده برای در کنار هم بودن استفاده کنند و در فضاهای موجود





مانند برخی پارکهای احداث شده و فضاهای سبز پیرامونی شهر، اوقات خود را سپری کنند.^{۲۴}

دوم، خانواده‌های مهاجران جدید با سرپرستان جوان و میانسال و با بعد خانوار پایین. این دسته نیز از فضاهای مذکور و همچنین انجام خریدهای همراه با تفریح و تفریح در خیابانهای شهر استقبال می‌کنند. شایان ذکر است که بر اساس بررسیهای صورت گرفته در این پژوهش، همچنان فضاهای عمومی و تفریحی و تجاری شهر تهران از جذابیت بسیاری برای مردم منطقه برخوردار بوده است و با توجه به افزایش درصد تملک اتومبیل و دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی، تقریباً غالب ساکنان اسلامشهر در تلاش برای بهره‌مندی از آن اماکن هستند. در ادامه به توصیف کلی از وضعیت فضاهای عمومی موجود در اسلامشهر بر اساس یک تقسیم بندی چهارگانه خواهیم پرداخت.

۲. فضاهای عمومی اسلامشهر^{۲۵}

۲.۱ فضای شهری

به علت شکل‌گیری و تکوین کانونهای شکل دهنده اسلامشهر به صورت جدا از هم و در خود، هریک از این کانونها با توجه به مشخصه خود، روندی متفاوت را در شکل‌دهی به فضاهای شهری خود پیموده‌اند. اگرچه در سالهای اخیر و با وجود نیروهای درونی و برونی^{۲۶}، که تمایل به وحدت-بخشی و یکپارچه نمودن این مجموعه زیستی دارند، روند تحول فضاهای عمومی دچار تغییراتی عمده شده و فضاهای عمومی این سکونتگاه، در مقیاس مجموعه زیستی و فراتر از آن عمل می‌نمایند. در این میان اسلامشهر در دهه ۸۰، اقدام به تولید شبکه‌ای ناپیوسته از فضاهای عمومی و شهری با تکیه بر توان‌مندیهای بومی نموده است،

که در صورت هدایت و کنترل روند این توسعه، می‌توان امیدوار بود که در آینده این شهر دارای شبکه‌ای منسجم و به هم پیوسته‌ای از فضاهای شهری گردد؛ شبکه‌ای که خود می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی و توسعه‌های آتی شهر شده و در سطحی فراتر به آن هویتی شهری و پایدار بخشند. اسلامشهر به تبع پدیداری و تکوین بی‌برنامه و خودانگیخته خویش، صورت‌بخش و شکل‌دهنده استخوان‌بندی و ساختاری خودجوش و برنامه‌ریزی نشده است. وضعیت کنونی این کانون را می‌توان به وضعیت جنینی تشبیه نمود که استخوان‌بندی و اندامهای آن در حال شکل‌گیری هستند، استخوان‌بندی که در حال قوت گرفتن است و اندامهایی که در حال پیدایی هستند.

تحول محورهای صرفاً عبوری میان مجموعه‌های زیستی به راسته‌بازار، از جالبترین تحولاتی که در طی این دوره تکاملی به وقوع پیوسته است. این خیابانها به فضاهای عمومی پر جنب و جوشی از محل حضور اقشار گوناگون مردم در ساعتهای مختلف روز تبدیل شده‌اند و به شهر از حیث رونق حضور شهروندان در عرصه شهر و انجام تعاملات اجتماعی، چهره‌ای مشابه زیستگاه‌های کهن بخشیده‌اند. از همین رو است که خیابان باغ‌فیض به عنوان خیابان محل استقرار راسته طلا فروشی و کفش و پوشاک شیک (به تصویر ۴ نگاه کنید)، خیابان آیت‌الله کاشانی به عنوان خیابان استقرار طلافروشی، لوازم خانگی و موبایل، خیابان زرافشان به عنوان خیابان محل عرضه کالای مربوط به ساختمان و نیز محل تماشای دسته‌های عزاداری وارد و خارج شده به امام‌زاده عقیل در روزهای تاسوعا و عاشورا (به تصویر ۵ نگاه کنید) و خیابان شهید مطهری (حاج محمود) نیز لوازم خانگی

۲.۲ فضای مذهبی

فضاهای مذهبی اسلامشهر، آمیزه‌ای از مکانهای مذهبی نوساخته و کهن است که گاه در ترکیبی موفق و کارآمد نوعی دیگر از زندگی شهری را شکل می‌دهد. از سویی همان‌گونه که گفته شد، اسلامشهر بر بستری کهن - که دربرگیرنده مجموعه‌ای از روستاهای بزرگ و کوچک بود - شکل گرفته است. برخی از این روستاها - محمود آباد (امامزاده عیسی)، چیچکلو (امامزاده اسماعیل)، ایرین (امامزاده زکریا) - (همتی، ۱۳۸۴: ۲۹ - ۳۶) بر بستر باورهای مذهبی شکل یافته بودند و برخی دیگر از بقعه‌های مذهبی - امامزاده عقیل، امامزاده ابراهیم - در خارج از بافت روستاها و در اراضی میان این کانونها واقع شده بودند. بنابراین منطقه مجموعه‌ای بود از بقاع متبرکه که در استحاله خود به شهر، کماکان این بقاع را در بر می‌گیرد. امروزه نیز ساکنان کانونهای زیستی مجاور این بقعه‌ها - چه ساکنان قدیم و چه مهاجران جدید - سرزمین آرزوهای خود را در توسل بدین بقاع جستجو می‌کنند و خود را مجاورنشین آنها می‌دانند. بازار روزهای متعددی نیز به همین مناسبت در حاشیه این فضاها تشکیل می‌شود. فضاهای نوساخته مذهبی مانند مصلی و گورستان جدید التأسيس شهر (دارالسلام)^{۲۷} نیز از فضاهای مهمی‌اند که به مناسبتهای خاص به عنوان مراجع ذهنی شهر و محل مواجهه رودرو اهالی نمود یافته‌اند.

در این میان وجود ۱۴۰ مسجد در سطح زیستگاه با ۱۲۰ مرکز فعال، همچنین ۸۲۵ هیأت مذهبی که تعداد ۱۲۶ از آنها دارای حسینیه‌هایی با مکان ثابت بوده و بقیه در ایام خاص با برپا کردن تکیه‌های موقت فعال هستند و فعالیت ۲۳ کانون به

شناخته می‌شود. خیابان قائمیه در آنسوی شهر و خیابان امام خمینی (ره) در این سو، از دیگر فضاهای شهری پر رونقی هستند که با کارکردی چندگانه، محل حضور مردم به بهانه خرید و تماشا و گذران اوقات فراغت هستند. از دیگر سوی میدان میوه و تره‌بار شهر که در کنار گره ترافیکی «سرنوری» واقع شده است، در تحولی عجیب چهره‌ای بسان «سبزه میدان» شهرهای کهن یافته است و در کنار فضای سرنوری - به عنوان بازار گوشت، مرغ و خواروبار - یکی از فضاهای مهمی است که محل حضور افراد مختلف برای تأمین مایحتاج زندگی و دیدارهای اتفاقی روزانه گشته است. (به تصویر ۶ نگاه کنید)



تصویر ۴: بازار نوروزی در خیابان باغ فیض - اسفند ۱۳۸۷ (مأخذ: عرفانی، ۱۳۸۸)



تصویر ۵: ائین عزاداری عاشورا - خیابان زرافشان - ۱۳۸۷ (مأخذ: عرفانی، ۱۳۸۸)



تصویر ۶: میدان میوه و تره‌بار اسلامشهر (مأخذ: عرفانی، ۱۳۸۸)



عنوان مکتب بانوان، به زندگی مذهبی ساکنان اسلامشهر رنگ و بوی خاصی داده است. (اداره تبلیغات اسلامی اسلامشهر، ۱۳۸۶) از همین رو، می‌توان بر نقش مؤثر و پررنگ مذهب و فضاهای مذهبی به عنوان یکی از مهمترین انواع فضاهای عمومی که زمینه‌ساز بروز آشنایی‌ها میان ساکنان این مجموعه نوساخته است، تأکید ورزید.

۲.۳ فضای سبز

اسلامشهر در استحالۀ خود از مجموعه‌های خودانگیخته در خود به شهر به معنای واقعی آن، کاربریهای شهری در همه ابعاد آن را مطالبه می‌کند، بنابراین فضای سبز به عنوان یکی از کاربریهای عمده در شهر رخ می‌نماید. در نخستین گام از این دگردیدی، مردمان، فضای شهر مورد نیاز را در تهران یا در اراضی کشاورزی پیرامونی جستجو می‌کردند. پس از تهیه طرح جامع، دومین گام اساسی در دگردیدی با پیش‌بینی کاربریهای شهری از جمله فضای سبز خاص شهر برداشته می‌شود. افزایش توان‌مندیهای مالی، اداری و ساختاری شهرداری سبب می‌شود تا فضای سبز نیز در کانون فعالیتها قرار گیرد و اقدامهایی مفید در این زمینه صورت گیرد. خریداری و تبدیل برخی از باغات قدیم منطقه و تبدیل آنها به پارک و همچنین احداث برخی دیگر از پارکها در اراضی بایر مجموعه از جمله این اقدامها بود. پارک قائم در همسایگی میدان خروجی اسلامشهر از مهمترین این فضاهاست. اینجا مکانی است که در ساعتهای پایانی روز و بالخصوص روزها و تعطیلات پایانی هفته شاهد حضور گسترده و پرمعنای ساکنان برای گذران اوقات فراغت در کنار خانواده و بهره‌گیری از مواهب طبیعت است. گسترش عرصه خصوصی

به فضای عمومی در نحوه استقرار تنگاتنگ خانواده‌ها در کنار یکدیگر رخساره می‌نماید، بازی نوجوانان و جوانان در میان غوغای بازی کودکان و آمیختگی این هیاهو با بوی غذاهای گوناگون که از سوی خانواده‌ها در حال فراهم آوردن است، همراه با فریادهای گاه و بی‌گاه دست‌فروشان جلوه‌ای خاص به پارک می‌بخشند. در این میان، صدای سهمناک موتور سوارانی که سعی می‌کنند از دیوارهای استوانه‌ای بالا روند، آشفته بازاری از هیاهو و هیجان را می‌سازد، امری که همیشگی نیست و گاه‌گاه در پارک مستقر می‌شود. فضای جذاب پارک عمدتاً تا پاسی از شب گذشته ادامه یافته و زندگی خصوصی خانواده‌ها را در عرصه‌ای عمومی به نمایش می‌گذارد. عام و خاص، عارف و عامی در هم آمیخته‌اند. نورپردازی نه چندان طراحی شده پارک، حکایت از نگاهی عامیانه به این مقوله دارد، روزهای تعطیل به خصوص روز سیزدهم فروردین استقبال از این فضا به نحوی است که دیگر مکانی برای بازی و فعالیت کودکان باقی نمی‌ماند و تنها می‌توان جایی برای پهن نمودن بساط در این گردهم‌آیی کهن یافت و در میان فضایی شاد و لبریز از احساس، احساس نوشیدن طبیعت و زندگی، حیات شهری را به تماشا نشست.

در این میان برخی از دیگر پارکها مانند پارکهای دوقلوی ندایی-مصطفی خمینی واقع در انتهای خیابان زرافشان نیز در مقیاسی خردتر و به صورت محلی شاهد چنین حضور و نقشی‌اند. همچنین اراضی کشاورزی مجاور جاده احمدآباد در شمال شرق شهر به عنوان مهمترین فضای سبز غیررسمی خارج شهری مطرح است که در ایام



تعطیل و غیرآن به عنوان پاتوق جوانان و محل تفریحات خانوادگی در مقیاسی فرامنطقه‌ای است.

۲.۴ فضاهای غیررسمی و بالقوه

در اسلامشهر نیز چون دیگر شهرها برخی از اراضی پیرامونی یا درون شهری به دلیل ویژگیهای خاص مترتب بر آنها در روزهای محدودی از سال محل بروز جلوه‌هایی از زندگی جمعی ساکنان شهر است. از مهمترین این فضاها می‌توان به اراضی بایر مجاور خروجی غربی امامزاده عقیل که محل برگزاری معرکه گریها و برخی بازارهای دوره‌ای است و نیز کوچه ورودی آن از سمت خیابان زرافشان - که محل تشکیل بازارهای هفتگی است - اشاره نمود. همچنین برخی از گوشه‌های فضای «سرنوری» به خصوص در اطراف پل هوایی و ایستگاه اتوبوس مجاور خیابان زرافشان و اطراف پارک تقوی که مکان معرکه‌گیری پهلوانان و برگزاری نمایشگاه‌های موقت کتاب و موارد مشابه است، در زمره اینگونه فضاهای غیر رسمی‌اند.



تصویر ۷: معرکه‌گیری در ورودی امامزاده عقیل اسلامشهر (مأخذ: عرفانی، ۱۳۸۸)

خیابان بی‌نام واقع در میان بافت مسکونی باغ-فیض و خیابان اداری شهید صیاد شیرازی نیز می‌تواند در این دسته از فضاها قرار گیرد که با توجه به حادثه پدید آمده و عدم اجازه برای بساط پهن کردن، در خیابان باغ‌فیض به صورت خودانگیخته از سوی دست‌فروشان به عنوان محل برگزاری بازار

نوروزی انتخاب شده و قابلیت‌ها و امکانات خویش را در این زمینه به نمایش می‌گذارد، در ایام محرم به عنوان محل برگزاری مراسم علم‌کشان و در سایر ایام سال به عنوان فضای بازیهای جمعی نوجوانان و جوانان محل استفاده می‌شود. برخی از خانه‌ها و زمینهای خالی داخل بافت نیز با سرپوشیده شدن در ایام محرم به عنوان تکیه از سوی اهالی استفاده می‌شود. همچنین فضاهایی از خیابانها که از نظر عرض و گنجایش جمعیت وضعیتی مناسب دارند به عنوان محل برگزاری نمایشهای شهری مانند تعزیه و یا گردهم‌آیی محلی به عنوان فضای بالقوه مطرح هستند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب یاد شده می‌توان گفت که در حال حاضر، اسلامشهر با مجموعه‌ای از فضاهای عمومی منفصل نمونه‌ای کاملاً متفاوت از یک شهر خودانگیخته در مقیاسی بزرگ را ارائه می‌نماید. شکل‌گیری و تکوین این شهر به صورت خوشه‌ای متشکل از دانه‌های مجاور هم، اما مستقل در پیرامون یک محور میانی -جاده ساوه - سبب جدایی‌گزینی و گسترش مستقل، هریک از کانونهای زیستی این شهر در درون خود شده است. هر کانونی از شهر بنا بر ویژگیهای خاص خود اقدام به ایجاد فضاهایی در جهت رفع نیاز روزمره ساکنان، مانند خرید، فضای فعالیت نوجوانان و جوانان و پاتوقهای ویژه میان‌سالان و کهن‌سالان نموده‌اند. در دگرگونی شهر و با حرکت تدریجی به سوی وحدتی نسبی و نزدیک شدن کانونها به یکدیگر سبب پیدایی برخی ارتباطهای بین کانونی شده و در نتیجه معدود فضاهای شهری با توجه به زمینه‌های قبلی مانند دسترسی،





کالبد و عملکرد و مکان مناسب در میان کانونهای تشکیل شده به سوی ایفای نقش فضای عمومی در مقیاس کل مجموعه حرکت کرده‌اند. آنچه در این میان جلب توجه می‌نماید، ارتباط معنادار وضعیت جدید مکان و فضا با نقش و حال پیشین آن است. مکانهایی مانند خیابانهای باغ فیض، کاشانی، زرافشان و تا حدودی مطهری (حاج محمود) نوعی خیابان شهری با کارکرد خاص را شکل داده و وضعیتی جدید را رقم زده‌اند و نقش محلی و سابق خود را به خیابانهای مجاور داده، به همین سبب در دو مقیاس محله‌ای و شهری به ایفای نقش می‌پردازند. وضعیتی که به خوبی در خیابانهای باغ فیض-زرافشان و کاشانی - ۲۰ متری امام، مشهود است. از دیگر فضاهای عمومی ایجاد شده در مقیاس شهری توسط شهرداری می‌توان اشاره کرد که در اندک مدتی به عنوان نقاط مرجع شهری در ذهنیت مردمان شهر نشست‌اند، پارکها، میدان میوه و تره‌بار و ... از جمله این مواردند.

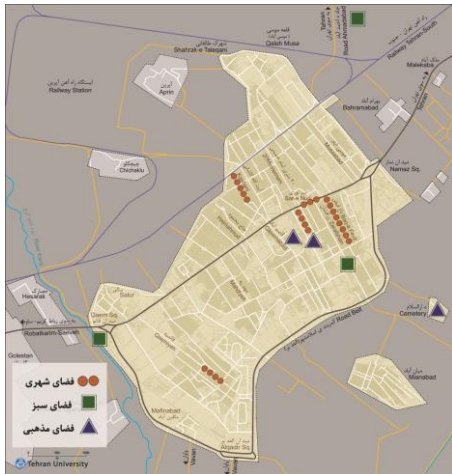
در این میان مهمترین ویژگیها و خصوصیات فضاهای عمومی اسلامشهر بر مبنای معیارهای سه-گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی عبارتند از:

- کالبدی: عدم پیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی نسبی کالبدی، نبود الگویی خاص برای طراحی جداره‌ها و بناها، تطابق نداشتن نیاز با ظرفیت موجود (غلبه مظهر بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، نبود حضور درختان سایه-افکن و مبلمان شهری مناسب.

- عملکردی: ناپیوستگی عملکردی فعالیتها، رونق فعالیتها در ساعتهای پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، شکل‌گیری راسته‌های تخصصی به جای چند عملکردی بودن خیابانها، نبود مراکز عمده خرید (پاساژها)، ارائه خدمات در

مقیاس فراتر از شهر، پویایی و دگرگونی نسبی کاربریها.

اجتماعی: خاطره‌انگیزی نسبی فضاها، نبود نشانه‌ها و نمادهای مرجع، امنیت نسبی ذهنی و روانی، جلوه‌های استفاده سنی و طبقاتی از فضا، حضور پررنگ نگاه ناظر ساکنان.



تصویر ۸: فضاهای عمومی اسلامشهر به تفکیک گونه‌ها (مأخذ: عرفانی، ۱۳۸۱)

پی نوشتها:

1. Spontaneous Settlement

۲. «علی‌رغم تغییر مساحت شهر و افزایش حوزه پیوسته سکونت‌گاهی آن به اشکال حومه‌نشینی، حجم قابل توجهی از جمعیت که نتوانسته‌اند در شهر اسکان یابند، حول محورهای ارتباطی تا شعاع ۲۰ تا ۳۰ کیلومتری تهران مستقر شده‌اند؛ نمونه بارز این اسکان‌ها همان اسلامشهر، قرچک، قلعه حسن خان و ... است.» (حمیدی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۴)

۳. «سند توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی مصوب ۱۳۸۳ هیأت دولت، به عنوان یک سند ملی - که حاصل تلاش مجموعه‌ای از متخصصان مرتبط با این امر است - با تصویب رسمی واژه‌هایی نظیر «سکونتگاه غیررسمی» مهر تأییدی بر این نوع نگاه غیر منطقی به این مجموعه‌های زیستی می‌زند.

۴. در قالب طرح پژوهشی مصوب دانشگاه تهران (حبیبی، ۱۳۸۷) و پایان‌نامه کارشناسی ارشد (عرفانی، ۱۳۸۸).

۵. در برابر نظر عده‌ای از پژوهشگران که سکونتگاه‌های خودانگیخته را به دلیل نبود اقتصاد محلی قوی و حقوق شهروندی قابل تبدیل شدن به شهر نمی‌دانند، باید پرسید مگر در چند شهر کهن ایران درصد فراوانی از معیارهای ذکر شده یافت می‌شود که مجموعه‌های زیستی خودانگیخته توان دسترسی بدانها را ندارند؟

۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله «نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور (نمونه مطالعاتی: اسلامشهر)» (۱۳۸۱)، سید محسن حبیبی، هفت شهر، شماره هشتم مراجعه نمایید.

۷. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه زیستی ترکیبی؟» (۱۳۷۳)، نوشته سید محسن حبیبی، نشریه گفتگو، شماره ۳ مراجعه نمایید.

۸. توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که منطقه شکل‌گیری اسلامشهر، خود متشکل از روستاهایی متعدد است که از آثار طرح انقلاب سفید در امان نمانده و بستر مناسبی را برای استقرار این کانون، بر زمینهای مجاور آن فراهم نمودند.

۹. اولین طرح جامع اسلامشهر در تاریخ ۶۸/۱۱/۲ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده و در سال ۱۳۷۸ افق طرح به پایان رسید، بدون آنکه جمعیت پیشنهادی آن محقق گردد. (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۸۴)

۱۰. بسیاری از توصیف‌های موجود از گذشته اسلامشهر در این پژوهش، ماحصل گفتگوهای طولانی با ساکنان قدیم اسلامشهر و تجربه زیست ۳۰ ساله نگارنده در آن است.

۱۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه زیستی ترکیبی؟» مراجعه نمایید.

۱۲. «بیش از ۸۰٪ خانوارها عضو هیأت مذهبی‌اند.» (شیخی، ۱۳۸۱: ۴۳)

۱۳. «وجود مسکن ارزان و قابل دسترس سبب شده است تا در بسیاری از موارد، اقشار کم درآمد شهری و حتی رده‌های پایینی اقشار متوسط شهری برای سکنی‌گزیدن به این

مجموعه‌ها روی آورند. مورد اسلامشهر نشان داد که این جریان در اولین سالهای بعد از انقلاب بسیار قوی بوده است.» (حبیبی، ۱۳۸۱: ۳۱)

۱۴. «در سال ۱۳۵۵ ه. ش. ۹۵/۷٪ از شاغلان اسلامشهر را مردان تشکیل می‌دادند.» (مهندسان مشاور همسو، ۱۳۶۷)

۱۵. «بیش از ۸۶٪ ساکنان اسلامشهر با محل تولد خود مرتبط بوده‌اند و ۴۳ درصد آنها بیش از چهار بار در سال با زادگاه خود ارتباط داشته‌اند.» (شیخی، ۱۳۸۱: ۴۳)

۱۶. وسعت فضاهای ورزشی و فرهنگی در اسلامشهر در سال ۱۳۶۴ به ترتیب برابر ۲۶۶۲ و ۵۲۰ متر مربع بوده که ۰/۰۲٪ و ۰/۰۰۲٪ از وسعت کاربریهای شهری را شامل می‌شده است. (مهندسان مشاور همسو، ۱۳۶۷، جدول ۳ بخش سوم)

۱۷. بر اساس نقشه ارزش معاملاتی زمین در طرح توسعه و عمران اسلامشهر تهیه شده در سال ۱۳۶۷ زمینهای مجاور خیابانهای شهر در محدوده‌های نزدیک به محور میانی شهر (جاده ساوه) در باغ فیض، زرافشان و قائمیه در دسته زمینهای خیلی گران و در موسی آباد، کاشانی، ۲۰ متری امام در دسته گران ارزیابی شده‌اند. (مهندسان مشاور همسو، ۱۳۶۷: ۲۱۳) که ارتباط آن با شکل‌گیری فضای عمومی مجموعه زیستی در این خیابانها در دهه اخیر قابل توجه است.

۱۸. حبیبی در سال ۱۳۷۱ نتیجه این اقدام را چنین گزارش می‌کند: «تعداد زیاد کودکان، خصوصیت فعالیت آموزشی را دگرگون کرده است و به روشنی کمبود را بازگو می‌کند، حدود ۵۰٪ مدارس دو نوبتی هستند و نیمی دیگر را مدارس سه نوبتی تشکیل می‌دهند.» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۷۰)

۱۹. «حدود ۴۰٪ از مردان به علت کمبود وقت از کمک به کانون خانوادگی خویش معذور هستند.» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۷۰) «نسبت سربراری جمعیت در اسلامشهر (سال ۱۳۶۴) ۴/۸ نفر است که از نسبت سربراری کشور بیشتر است؛ یعنی هر ۱۰ فرد شاغل در اسلامشهر علاوه بر خویشتن، عهده‌دار تأمین مخارج ۳۸ نفر دیگر است.» (مهندسان مشاور همسو، ۱۳۶۷: ۱۸۳)

۲۰. آصف بیات در کتاب خود «سیاستهای خیابانی» در موضوع استقلال طلبی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی چنین می‌نویسد: «چنین بود که در اوایل دهه ۱۳۷۰، ساکنان اسلامشهر - یک منطقه اسکان غیر رسمی در جنوب شهر





تهران- برای ادغام رسمی جامعه‌اشان مبارزه کردند و زمانی که این مقصود حاصل شد، جوامع غیررسمی جدیدی از اطراف آن شهر سر برآوردند.» (بیات، ۱۳۷۹: ۳۳)

۲۱. حبیبی در سال ۱۳۷۱ می‌نویسد: «بررسیها نشان می‌دهد که اکثریت خانوارها را خانواده‌های کثیرالاولاد تشکیل می‌دهد. آمار نشان می‌دهد که تنها ۲۱/۴٪ از خانوارها دارای یک یا دو فرزند هستند. این امر از سویی جوان بودن جمعیت را نشان می‌دهد و از دیگر سوی رفتار باروری را بیان می‌دارد.» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۶۸)

۲۲. «بخش اعظم نیازهای اولیه در خود مجموعه تأمین می‌گردد؛ به عنوان مثال، ۹۳/۴٪ از خریدهای روزانه در داخل هر کانون انجام می‌گیرد.» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۶۹)

۲۳. «بخش اعظم نیروی کار مجموعه زیستی اسلامشهر را کسانی تشکیل می‌دهند که در کارخانه‌های صنعتی واقع شده بر روی جاده‌های ساوه و کرج مشغول به کار است. (حدود ۵۶٪) در این میان ۲۱/۳٪ از افراد پرسش شده در خود اسلامشهر کار می‌کنند.» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۶۸) شیخی در همین ارتباط در سال ۱۳۸۱ می‌نویسد: «برابر یافته‌های میدان پژوهی، در حالی که در اسلامشهر نسبت مشاغل فروشنده‌گری و کارگری خدماتی ۴۰ درصد و کارمندان حدود ۱۶ درصد بوده است، نسبت کارگران صنعتی به حدود ۲۷ درصد کاهش یافته است. این نسبت در سال ۷۵ حدود ۳۸ درصد شاغلان بوده است و در اسلامشهر نسبت به نسیم‌شهر و گلستان شاهد تنوع نسبی در ترکیب شاغلان هستیم.» (شیخی، ۱۳۷۸: ۴۲)

۲۴. «بر مبنای یافته‌های پژوهش میزان اوقات فراغت به موازات رشد سکونتگاه (خودانگیخته) افزایش می‌یابد. در اسلامشهر دو برابر سایرین.» (شیخی، ۱۳۸۱: ۴۴)

۲۵. این تقسیم بندی برگرفته از طرح پژوهشی است که با عنوان «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی: ورامین، قرچک و اسلامشهر)»، از سوی سید محسن حبیبی و با همکاری زیبا لقمانی، جواد عرفانی، نوید پورمحمدرضا و سارا حمیده در سالهای ۸۷-۸۶ انجام شده است.

۲۶. از مجموعه نیروهای بیرونی می‌توان به تلاش مجموعه مدیریت شهری برای معرفی و شکل‌بخشی به اسلامشهر به عنوان یک کل برای به رسمیت شناخته شدن آن از سوی

مسئولان کشوری و منطقه‌ای به قصد جذب امکانات و درآمدهای بیشتر و از نیروهای درونی می‌توان به تمایل بنگاه‌های اقتصادی برای فعالیت در مقیاس وسیعتر و در کنار یکدیگر جهت سودآوری افزونتر اشاره نمود.

۲۷. با دفن شهدای گمنام جنگ تحمیلی در این گورستان، این فضا تقدس و ارزشی ویژه نزد شهروندان یافته و کارکردی مشابه امام‌زاده‌های موجود در سطح شهر یافته است.

منابع

۱. اداره تبلیغات اسلامی اسلامشهر. (۱۳۸۶). آمارنامه سال ۱۳۸۶.
۲. اداره آموزش و پرورش اسلامشهر. (۱۳۸۷). آمارنامه سال ۱۳۸۷.
۳. بیات، آصف. (۱۳۷۹). سیاستهای خیابانی؛ ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: شیرازه.
۴. حبیبی، سید محسن و برنارد هورکاد. (۱۳۸۴). اطلس کلانشهر تهران؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۵. حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۱). «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا مجموعه ترکیبی»؛ مجله گفتگو، شماره ۱.
۶. ----- (۱۳۸۱). «نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور؛ نمونه مطالعاتی: اسلامشهر»؛ مجله هفت‌شهر، شماره ۱.
۷. ----- (۱۳۸۳). از شار تا شهر؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. ----- (۱۳۸۷). «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی: ورامین، قرچک و اسلامشهر)»؛ طرح پژوهشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۹. حمیدی، ملیحه. (۱۳۷۶). استخوان بندی شهرتهران؛ تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
۱۰. خبرنگار شورا عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۸۴). شماره ۱۴، مهرماه.
۱۱. سازمان عمران و بهسازی شهری. (۱۳۸۳). «سند توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی»؛ تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۲. شیخی، محمد. (۱۳۷۹). تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودروی پیرامون کلانشهر تهران (مطالعه موردی: اسلامشهر، نسیم شهر و گلستان)؛ تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. ----- (۱۳۸۱). «فرآیند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودرو پیرامون کلانشهرتهران»؛ نشریه هفت شهر، شماره ۱۴۸-۱۴. داودپور، زهره. (۱۳۸۴). کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خودروی؛ تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۵. عرفانی، جواد. (۱۳۸۸). نقش فضاها عمومی شهر در ایجاد حیات شهری در کانونهای زیستی خودانگیخته پیرامونی کلانشهر تهران (مطالعه موردی: طراحی شهری خیابان باغ فیض اسلامشهر)؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی سید محسن حبیبی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۶. طرح جامع تهران. (۱۳۸۵)
۱۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. مدنی پور، علی. (۱۳۸۱). تهران ظهور یک کلانشهر؛ ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سالنامه آماری؛ تهران: مرکز آمار ایران.
۲۰. مهندسان مشاور همسو. (۱۳۶۷). طرح توسعه و عمران اسلامشهر و حوزه نفوذ آن؛ وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۱. همتی، محسن. (۱۳۸۴). کتاب اسلامشهر: اولین بانک اطلاعات شهری اسلامشهر؛ تهران: توانا.

منابع اینترنتی

1. www.islamshahr.gov.ir
-۱۳۹۱/۱۰/۰۱

